

عوامل اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر فاصله‌ی سنی زوجین

در استان اردبیل

حسین محمودیان* فیروز راهرو زرگر**

چکیده

فاصله‌ی سنی زوجین بر باروری، تنظیم خانواده، رضایت از زندگی زناشویی، طلاق و بیوه‌گی تأثیرگذار می‌باشد. با توجه به فاصله‌ی سنی نسبتاً بالای زوجین در استان اردبیل، این مقاله با استفاده از داده‌های سرشماری ۱۳۸۵ به بررسی عوامل اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر فاصله‌ی سنی زوجین در میان زنان ۴۹ - ۱۵ ساله‌ی استان اردبیل پرداخته است. میانگین فاصله‌ی سنی زوجین در حدود ۵ سال بود و در حدود ۸۰ درصد از ازدواج‌ها، زنان از شوهران خود جوان‌تر بودند. سن، تحصیلات، محل سکونت، وضعیت اشتغال، مهاجرت و ازدواج مجدد رابطه‌ی معنی‌دار با متغیر وابسته دارند. این روابط می‌توانند با توجه به تحولات اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی تبیین شوند.

واژگان کلیدی

فاصله‌ی سنی زوجین، ازدواج، عوامل اجتماعی و جمعیتی، سرشماری ۱۳۸۵، استان اردبیل.

* دانشیار جمعیت‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی

تأیید نهایی: ۸۹/۱۰/۶

تاریخ دریافت: ۸۹/۷/۴

مقدمه

با توجه به تفاوت سن بلوغ جسمانی دختران و پسران و تفاوت سن ازدواج آنها با یکدیگر طبیعی است فاصله‌ای در سن زوجین ایجاد شود. اما، فاصله‌ی سنی زوجین در جوامع مختلف و حتی در یک جامعه در طول زمان ثابت نیست. به عنوان مثال، فاصله‌ی سنی زوجین از حدود ۲ سال در استرالیا تا حدود ۱۰ سال در گامبیا متغیر است (سازمان ملل^۱: ۲۰۰۰: ۱) و در کشور ایران نیز این فاصله از ۶/۶ سال در سرشماری ۱۳۴۵ به کمتر از نصف آن یعنی به حدود ۳ سال در سرشماری ۱۳۸۵ کاهش یافته است (مرکز آمار ایران^۲: ۲۰۰۶: ۱). بنابراین، تغییر فاصله‌ی سنی زوجین امری غیر بیولوژیکی است و تحولات اجتماعی، جمعیتی و اقتصادی طی نیم قرن اخیر در جامعه‌ی ایران می‌تواند از طریق سست کردن سنت‌ها و اشاعه‌ی ارزش‌های جدید و فردگرایی و نوسازی در جامعه و در نتیجه ایجاد اشکال جدیدی از هنجارهای اجتماعی در زمینه‌ی تشکیل خانواده، سنین ازدواج و فاصله‌ی سنی زوجین را تغییر دهد. تغییر فاصله‌ی سنی زوجین می‌تواند موجب مسائلی مانند تغییر احتمال طلاق، مضیقه‌ی ازدواج، تغییر تعداد فرزندان مطلوب زوجین، باروری و استفاده از وسایل پیشگیری از باروری، تغییر قدرت و پایگاه زنان در خانواده شود (کسترلین^۳ و همکاران ۱۹۸۶: ۳۵۴؛ محمودیان ۱۳۸۵: ۱۲۸ و ۱۲۹؛ باربیری^۴ و هرتریچ ۲۰۰۵: ۶۵۴؛ رضایی ۱۳۸۴: ۱۵۴).

1- United Nations

2-Statistical Centre of Iran

3- Casterline

4-Barbieri

گزارش‌های سازمان ثبت احوال کشور طی چند سال اخیر نشان داده است همواره درصد شوهران مسن‌تر از همسران خود در استان اردبیل از درصد مشابه برای کل کشور بیشتر بوده است (۱۳۸۶: ۳۳۴ - ۳۲۹؛ ۱۳۸۷: ۳۴۱ - ۳۳۶؛ ۱۳۸۸: ۳۴۴ - ۳۳۹). این وضعیت خاص که منعکس‌کننده‌ی میزان بالاتر تفاوت سنی زوجین (به نفع مردان) است می‌تواند از عوامل مختلفی که گاهی ناشی از شرایط ویژه‌ی منطقه‌ی مطالعه شده باشد تأثیر بپذیرد. با توجه به اهمیت فاصله‌ی سنی در وضعیت زوجین، بررسی علل مرتبط با آن حایز اهمیت است. این مقاله در نظر دارد با استفاده از داده‌های نمونه‌ی ۲۰ درصدی داده‌های فردی سرشماری سال ۱۳۸۵، عوامل اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر تغییرات فاصله‌ی سنی زوجین در بین زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله‌ی استان اردبیل را بررسی کند. نتایج حاصل از آن می‌تواند در شناخت هرچه بیشتر زمان‌بندی و الگوهای تشکیل خانواده در استان اردبیل و تدقیق و جامعیت سیاست‌گذاری‌های مرتبط با آن مثمر‌تر باشد.

۱) مبانی نظری

الگوهای مشاهده‌شده‌ی فاصله‌ی سنی زوجین، ترجیحات روشن و آشکاری را نشان می‌دهد (شوهران مسن‌تر از زنان هستند) که به وسیله‌ی مجموعه‌ای مرتبط از عوامل اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی، روان‌شناختی و فرهنگی مشخص می‌شود (کسترلین و همکاران ۱۹۸۶: ۳۵۴؛ محمودیان ۱۳۸۵: ۱۲۹).

نظریه‌ی نوسازی^۱ به تبیین تغییر و تحولات در نظام خانواده و به‌ویژه سن

1- Modernization Theory

ازدواج پرداخته است. طبق این نظریه، تغییرات ساختاری (گذار از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی) از طریق سه جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و تحصیلات همگانی با تغییر الگوهای ازدواج ارتباط دارد (عباسی-شوازی و صادقی ۱۳۸۴: ۲۷). از نظر گودا^۱ (۱۹۶۳) فرایند جهانی نوسازی، صنعتی شدن و شهرنشینی موجب تغییر در ساختار سنتی خانواده و توسعه‌ی خانواده‌های جدید از نوع اروپایی در سراسر جهان شده است.

در عصر قبل از صنعتی شدن خانواده‌ی گسترده رواج داشت و خانه محل کار و زندگی بود. طبقه‌بندی و تفکیک جنسیتی بین مشاغل تقریباً وجود نداشت و زنان در اغلب اموری که در حیطه‌ی کاری مردان بود فعالیت می‌کردند و پس از ازدواج نیز در آن خانواده به عنوان نیروی کار در نظر گرفته می‌شدند. در این میان، ازدواج زودرس زنان باعث هرچه بیشتر اجتماعی شدن آنها با هنجارهای خانواده‌ی شوهر می‌شد و از این طریق فاصله‌ی سنی زوجین در حد بالایی نگه داشته می‌شد (کسترلین و همکاران ۱۹۸۶: ۳۶۹). در عصر صنعتی، محل زندگی و محل کار از همدیگر جدا شد و نوعی تفکیک جنسیتی بین مشاغل به وجود آمد (شیخی ۱۳۸۰: ۱۱۶). خانواده‌ی هسته‌ای گسترش پیدا کرد و دیگر نیازی به نیروی کار زنان در داخل خانواده‌ی شوهر وجود نداشت. همچنین، موقعیت کاری زنان دچار تحولاتی شد و زنان وارد مشاغل غیرخانگی و با درآمد مختص به خود شدند و به استقلال اقتصادی دست یافتند. استقلال اقتصادی زنان باعث

1- Good

دستیابی آنان به استقلال اجتماعی شد. هم‌زمان شهرنشینی نیز رواج یافت و به دنبال آن سطح تحصیلات زنان، بالاتر رفت و در نتیجه موقعیت زنان بهبود یافت. از این طریق قدرت مردان و زنان حالت متعادلی به خود گرفت، چون با از بین رفتن خانواده‌ی گسترده، سلسله مراتب مبتنی بر سن و جنس هم رخت بریست (کالدول^۱ ۱۹۹۲: ۴۸). بنابراین، دیگر ضرورتی نداشت که زنان به خاطر وابستگی اقتصادی و اجتماعی به مردان اقدام به ازدواج زودرس بکنند و سن ازدواج زنان افزایش یافت. ضمن اینکه افزایش سطح تحصیلات زنان از طریق به تأخیر انداختن سن ازدواج می‌تواند به بالا رفتن سن آنان در هنگام ازدواج منجر شود. این در حالی بود که سن ازدواج مردان تقریباً بدون تغییر مانده بود (شیخی ۱۳۸۰: ۱۲۰-۱۱۶). تغییر فاصله‌ی سنی زوجین، به طور ساده ناشی از تغییر سن ازدواج زنان یا مردان و یا هر دو است. البته، در ایران، شتاب زیاد افزایش سن ازدواج زنان نسبت به مردان از اختلاف سنی زوجین کاسته است (کاظمی‌پور ۱۳۸۳: ۱۱۳-۱۰۴). به این ترتیب، نوسازی از طریق تغییر ساختار خانواده، که در نتیجه‌ی صنعتی شدن، شهرنشینی و تحصیلات رخ داده و بهبود موقعیت زنان موجب کاهش فاصله‌ی سنی زوجین شد.

در فرایند نوسازی، خانواده‌محوری جای خود را به فردمحوری می‌دهد و هم‌زمان، سازمان‌ها و نهادهای جدید، بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده را بر عهده می‌گیرند. بنابراین، مطابق با تغییر کارکرد خانواده شبکه‌ی اجتماعی جدید جایگزین شبکه‌ی خویشاوندی می‌شود و در نتیجه، خانواده

1- Caldwell

به یک واحد هسته‌ای استوار بر فردگرایی تبدیل می‌شود. به این معنا که تصمیمات فردی جایگزین تصمیمات خانواده درباره‌ی ازدواج می‌شود و این امر پیش شرط‌هایی برای ازدواج می‌طلبد و سن ازدواج را بالا می‌برد. فرد به تنهایی و بدون حمایت خانواده می‌بایست به آمادگی اجتماعی و اقتصادی جهت ازدواج برسد امری که در گذشته در نظام خانوادگی گسترده با همکاری سایر اعضای خانواده موجبات ازدواج در سنین پایین‌تر را فراهم می‌ساخت. بنابراین، نوسازی از این طریق باعث افزایش سن ازدواج افراد شد (ویکس^۱:۲۰۰۲: ۴۱۶؛ محمودیان ۱۳۸۳: ۳۰ و ۳۱؛ زارع ۱۳۸۷: ۱۴۲) و طبق یافته‌های برخی از محققان با افزایش سن ازدواج زنان فاصله‌ی سنی زوجین کاهش می‌یابد و افزایش سن ازدواج مردان نیز موجب افزایش در فاصله‌ی سنی زوجین می‌شود (هنکوک^۲ و همکاران ۲۰۰۳: ۲۰؛ محمودیان ۱۳۸۵: ۱۳۶ و ۱۳۷؛ کاظمی‌پور ۱۳۸۳: ۱۱۶).

نوسازی از طریق تغییر ساختار سنی و جنسی جمعیت نیز می‌تواند باعث بروز مضیقه‌ی ازدواجی^۳ و تغییر فاصله‌ی سنی زوجین شود (کسترلین و همکاران ۱۹۸۶: ۳۶۹؛ کالدول ۱۹۶۳: ۳۰؛ درودی آهلی ۱۳۸۱: ۲۰). پدیده‌ی مضیقه‌ی ازدواجی هنگامی به وجود می‌آید که بخش چشمگیری از زنان یا مردان در سنین اصلی ازدواج یک جامعه به هر علت در دسترس نباشند (همان: ۲). در این حالت، از یک سو زمان ازدواج برای جنسی که تعداد آن بیشتر است، به تعویق می‌افتد زیرا همسران مناسبی برای آنها در دسترس نیست و از سوی دیگر، احتمال ازدواج در سنین پایین‌تر برای جنسی که تعداد آن کمتر است

1- Weeks

2- Hancock

3- Marriage Squeeze

به علت زیاد بودن تعداد همسران بالقوه برای آنها افزایش می‌یابد و از این طریق فاصله‌ی سنی زوجین از مضیقه‌ی ازدواجی می‌تواند متأثر شود.

اشتغال زنان در خارج از خانه، به عنوان یکی از ابعاد نوسازی می‌تواند با تغییر فاصله‌ی سنی زوجین در ارتباط باشد. مشارکت نداشتن زنان در نیروی کار بالاتر بودن میزان فاصله‌ی سنی زوجین همبستگی مثبتی دارد (محمودیان ۱۳۸۵: ۱۳۴). ازدواج زودرس زنان می‌تواند عاملی باشد که زنان نتوانند از تحصیلات بالاتر برخوردار شوند و از این طریق، راه ورود به بازار کار برای زنان کم‌سواد بسته می‌ماند. کسب تخصص، تأمین معاش و استقلال اقتصادی زنان، مانع ازدواج زودرس آنها می‌شود (امین‌زاده ۱۳۵۷: ۸۰). زن فعال اقتصادی تفاوت سنی کمتری با شوهران دارند (محمودیان ۱۳۸۵: ۱۳۷). زنان برای ورود به بازار کار نیاز به مهارت‌های شغلی و یا نیاز به مدارک تحصیلی بالاتر دارند. کسب مهارت شغلی و یا کسب مدارک تحصیلی بالاتر، نیازمند صرف زمان است و این امر باعث کاهش ازدواج زودرس زنان شاغل می‌شود. همچنین، از طرفی، زنان شاغل استقلال اقتصادی دارند و می‌توانند آزادی و قدرت بیشتری در انتخاب همسر داشته باشند و از طرف دیگر، از آنجا که زنان در ازدواج به دنبال مبادله‌ی پایاپای هستند (میشل ۱۳۵۴: ۱۸۳) سعی می‌کنند کمترین فاصله‌ی سنی را با شوهران داشته باشند. نتایج مطالعات پایین بودن فاصله‌ی سنی زوجین فعال از نظر اقتصادی و بالا بودن فاصله‌ی سنی زوجین در صورت شاغل نبودن زن را نشان داده است (محمودیان ۱۳۸۵؛ ورا^۱ و همکاران ۱۹۸۵؛ اتکینسون^۲ و گلاس^۳ ۱۹۸۵).

1- Vera

2- Atkinson

3- Glass

بین سن و فاصله‌ی سنی زوجین در میان هر دو جنس (مرد و زن) رابطه وجود دارد (محمودیان ۱۳۸۵: ۱۳۲؛ بایتوی^۱ ۱۹۸۱: ۹۲۳؛ کسترلاین و همکاران ۱۹۸۵: ۳۶۷؛ اسکات ساوس^۲ ۱۹۹۱: ۹۳۸؛ بریکرت^۳ ۲۰۰۱). بایتوی با بیان آسان نبودن تعیین الگوی رابطه‌ی بین سن و فاصله‌ی سنی زوجین، وجود رابطه‌ی مستقیم بین این دو متغیر را نشان داده است (بایتوی ۱۹۸۱: ۹۲۳). یافته‌های محمودیان در مورد داده‌های کشوری سال ۱۳۸۰ نیز نشان داده که با افزایش سن مردان، فاصله‌ی سنی زوجین افزایش و با افزایش سن زنان فاصله‌ی سنی زوجین کاهش می‌یابد (محمودیان ۱۳۸۵: ۱۳۶ و ۱۳۷). بنا بر نظر وی بهبود موقعیت زنان در سال‌های اخیر می‌تواند تبیین‌کننده‌ی این امر باشد (همان: ۱۳۲). همچنین وی نشان داده است که شدت تغییر تفاوت سنی زوجین (علی‌الخصوص زوجین شهری) در نقاط شهری بیشتر از نقاط روستایی است و علت این امر را در تفاوت بیشتر افراد از نظر اجتماعی در مناطق شهری دانسته است که می‌تواند تفاوت‌هایی را در زمینه‌ی نگرش‌ها و رفتارهای مربوط به ازدواج ایجاد کند. کسترلاین و همکاران در مورد رابطه‌ی سن و فاصله‌ی سنی زوجین معتقدند اگر همسران جوان‌تر، مطلوب مردان باشد بدیهی است برای مردانی که در سنین جوان‌تری ازدواج می‌کنند به تعداد کافی دختر در دسترس نخواهد بود (مضیق‌هی ازدواجی) (کسترلاین و همکاران ۱۹۸۶: ۳۶۷). چون سن ازدواج دختران، یک حداقلی دارد و با وجود این حداقل و تقاضای مردان با سنین بالا مبنی بر ازدواج با زنانی جوان‌تر از خود، تعداد کمتر دختران جوان‌تر باعث

1- Bytheway

2- South

3-Barricarte

خواهد شد مردانی که در سنین کم‌سن و سالی ازدواج می‌کنند فاصله‌ی سنی کمتری با همسران خود داشته باشند. یافته‌های بریکرت (۲۰۰۱) در اسپانیا نیز تأییدکننده‌ی همین نظر است. به این معنی که زنان مزدوج در جوانی تمایل دارند با مردانی مسن‌تر از خود ازدواج کنند، در حالی که زنان مزدوج در سنین مسن‌تر تمایل به داشتن شوهرانی از سن یکسان دارند و در نهایت، اسکات ساوس با اشاره بر نقش مهم سن در ازدواج بیان می‌کند: «افراد مسن‌تر بیشتر از افراد جوان‌تر تمایل به ازدواج در دامنه‌ی سنی گسترده‌ای دارند» (ساوس ۱۹۹۱: ۹۳۸).

بین ازدواج مجدد و فاصله‌ی سنی بالای زوجین همبستگی وجود دارد (اتکینسون و گلاس ۱۹۸۵: ۶۹). به این صورت که طبق دیدگاه فرهنگی^۱ نظریه‌ی مبادله^۲ و برابری جنسیتی^۳ از طرفی، زنان مطلقه و بیوه کمتر از دختران مجرد از سوی مردان برای ازدواج انتخاب می‌شوند و از طرف دیگر، امکان مبادله‌ی نابرابر سنی ازدواج در مورد زنانی که ازدواج مجدد می‌کنند بیشتر از زنانی است که برای اولین بار ازدواج می‌کنند. یافته‌های برخی از محققین نیز نشان داده است که فاصله‌ی سنی زوجین در ازدواج‌های مجدد در مقایسه با اولین ازدواج‌ها بیشتر است و بیشترین تفاوت سنی مربوط به ازدواج مردان حداقل یک‌بار ازدواج کرده با زنانی است که برای اولین یا چندمین بار ازدواج می‌کنند (هنکوک و همکاران ۲۰۰۳: ۲۴ - ۲۰).

مهاجرت علاوه بر اینکه می‌تواند از طریق تغییر در نسبت جنسی افراد در

1- Cultural Perspective

2- Exchange Theory

3-Gender Equity

سن ازدواج و ایجاد مزیقه‌ی ازدواجی بر فاصله‌ی سنی زوجین تأثیرگذار باشد (درودی آهی ۱۳۸۱: ۸-۴)، از طرق دیگری نیز می‌تواند باعث تغییر در فاصله‌ی سنی زوجین شود. طبق نظریه‌ی گزینش مهاجرتی^۱ مهاجران ویژگی‌های خاصی دارند که آنان را از افراد جامعه‌ی مبدأ و مقصد جدا می‌کند (ویکس ۱۳۸۵: ۲۸۰). به عنوان مثال، اکثر مهاجران را افراد در سنین جوانی تشکیل می‌دهند که انگیزه‌ی زیادی برای پیشرفت داشته و آگاهی‌ها و ارزش‌هایی متفاوت با جامعه‌ی مبدأ و مقصد دارند. این ویژگی‌ها می‌تواند مبنایی برای تفاوت فاصله‌ی سنی آنان در ازدواج محسوب شود. یافته‌های برخی از محققین نیز نشان داده است که بین تولد در خارج از کشور و فاصله‌ی سنی بالای زوجین همبستگی مستقیمی وجود دارد (اتکینسون و گلاس ۱۹۸۵: ۶۹۰).

نظریه‌ی مبادله را می‌توان در تبیین تغییرات فاصله‌ی سنی زوجین از طریق سود و زیانی که در رابطه‌ی ازدواج برای افراد در پی دارد به کار برد. طبق این نظریه، مردم در انتخاب‌های خود به صورت عقلانی^۲ عمل می‌کنند و درصددند در انتخاب‌ها و در رابطه با دیگران سود خود را به حداکثر برسانند. با توجه به اینکه سن می‌تواند نوعی سرمایه محسوب شود^۳ و هنگامی که در رابطه‌ی بین دو نفر یکی سرمایه‌ای بیشتر از دیگری دارد^۴

1- Migration Selection

2 - Rational

۳ - کالینز سرمایه را دو نوع می‌داند: سرمایه‌ی مادی و سرمایه‌ی غیرمادی. سرمایه‌ی غیرمادی همان سرمایه‌ی فرهنگی است و سن هم نوعی سرمایه‌ی فرهنگی است (ریترز ۱۳۸۳: ۱۷۵).

۴ - در بیشتر جوامع ساختار ارث و مالکیت طوری است که صاحب سرمایه‌ی بیشتر مرد و صاحب سرمایه‌ی کمتر زن است.

در این صورت، طبق نظر پیتر بلاو در بحث مبادله^۱ زنان برای مبادله‌ی برابر با مردان در رابطه‌ی زناشویی، در نبود سرمایه‌ی مادی برابر با مردان، باید سرمایه‌ی فرهنگی خود یعنی سن خود را هزینه کنند. بنابراین، در شرایطی که در جوامع امروزی (و در جوامع گذشته بیشتر) سرمایه‌ی مادی مردان در سطوح مختلف بیشتر از زنان است، زنان در هنگام ازدواج برای برقراری رابطه‌ای متوازن به عرضه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی خود نظیر سن، در مقابل سرمایه‌ی مادی مردان اقدام خواهند کرد و به این صورت فاصله‌ی سنی زنان (به‌خصوص زنان طبقات پایین‌تر) بیشتر می‌شود. پس فاصله‌ی سنی زوجین می‌تواند از نابرابری در مالکیت سرمایه‌ی مادی نیز نشئت بگیرد.

۲) روش تحقیق و داده‌ها

روش تحقیق حاضر، تحلیل ثانویه^۲ داده‌های موجود است. با استفاده از نمونه‌ی ۲۰ درصدی داده‌های فردی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، عوامل مؤثر بر تغییر فاصله‌ی سنی زوجین در استان اردبیل تجزیه و تحلیل شده است. به این منظور فایل جدیدی با پیوند اطلاعات زوجین به یکدیگر ساخته شد. جمعیت آماری تحقیق نیز زنان مزدوج ۱۵ تا ۴۹ ساله در استان اردبیل و شوهران آنها هستند. حجم نمونه نیز ۳۸۳۹۱ نفر است. در

۱- در مبادله‌ی نابرابر طرف فرودست ممکن است کار طرف پاداش‌دهنده را با نوعی تقویت عمومی جبران کند... به این معنی که فرد در مقابل دریافت امتیازی که نمی‌تواند به طور کامل آن را تلافی کند تمایل دارد که از بعضی خواسته‌های خود در مقابل طرف دیگر چشم‌پوشی کند (اسکیدمور ۱۳۷۲: ۱۰۶ و ۱۰۷).

2- Secondary Analysis

تجزیه و تحلیل داده‌ها از تکنیک‌های آماری دومتغیری و چندمتغیری استفاده شده است.

متغیرهای مستقلی که در این تحقیق با متغیر وابسته (فاصله‌ی سنی زوجین) در ارتباط قرار داده شده‌اند عبارت‌اند از: محل سکونت، سن، وضع سواد، مدرک تحصیلی، وضع اشتغال، نوع شغل، دفعات ازدواج و وضع مهاجرت.

(۳) یافته‌های تحقیق

جدول شماره‌ی ۱ میانگین، میانه، انحراف معیار و توزیع نسبی فاصله‌ی سنی زوجین را بر حسب محل سکونت زنان نشان می‌دهد. طبق یافته‌های این جدول، رابطه‌ی معنی‌داری بین محل سکونت زنان و فاصله‌ی سنی زوجین وجود دارد. به این صورت که درصد فراوانی زوجین روستایی در فاصله‌های زیاد زوجین (۵ تا ۸ سال و ۹ سال و بیشتر) از زوجین شهری بیشتر است. ولی در فواصل سنی کمتر، درصد فراوانی زوجین شهری بیشتر از زوجین روستایی است. با ملاحظه‌ی تفاوت میانگین فاصله‌ی سنی زوجین روستایی و شهری نیز این امر مشاهده می‌شود و میانگین فاصله‌ی سنی زوجین در میان زنان روستایی به‌طور معنی‌داری بیشتر از زنان شهری است.

جدول ۱: میانگین، میانه، انحراف معیار و توزیع نسبی فاصله‌ی سنی زوجین (به نفع مردان) بر حسب محل سکونت زنان در استان اردبیل ۱۳۸۵

تعداد	فاصله‌ی سنی زوجین							محل سکونت	
	۹ سال و بیشتر	۸ تا ۵ سال	۴ تا ۳ سال	همسن	سن بالاتر زن	میانه	انحراف معیار		میانگین
	۱۵/۹	۲۷/۳	۳۳/۱	۱۱/۷	۱۲/۰	۴/۶۲	۵/۹۳	۴/۶۲	شهر
	۲۱/۲	۳۰/۵	۳۰/۳	۹/۰	۸/۹	۵/۰۸	۵/۱۹	۵/۳۶	روستا
۱۹۵۹۵	۱۸/۵	۲۸/۹	۳۱/۷	۱۰/۴	۱۰/۵	۴/۷۵	۵/۵۹	۴/۹۸	جمع
۱۸۷۹۶	Cramer's V = ۰/۰۹۶					t = -۱۳/۰۳۳			آزمون آماری*
۳۸۳۹۱									

* معنی‌دار در سطح $P < ۰/۰۱$

جدول شماره‌ی ۲ نشان دهنده‌ی توزیع زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله بر حسب فاصله‌ی سنی زوجین به تفکیک متغیرهای مختلف در سال ۱۳۸۵ است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود حدود ۸۰ درصد زنان از شوهران خود جوان‌ترند. درصد زنان جوان‌تر از شوهران خود در میان افراد باسواد، بیشتر از افراد بی‌سواد است که این وضعیت در جهتی معکوس با چارچوب نظری و نتایج تحقیقات پیشین است. البته، این وضعیت ممکن است از ازدواج اکثریت زنان باسواد در سنین مدرسه با مردانی از سنین بالاتر ناشی شده باشد.

جدول ۲: توزیع نسبی زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله بر حسب فاصله‌ی سنی زوجین به تفکیک متغیرهای مختلف در استان اردبیل ۱۳۸۵

تعداد	جمع	فاصله‌ی سنی زوجین					متغیرها
		۹ سال و بیشتر	۵ تا ۸ سال	۴ تا ۵ سال	همسن	سن بالاتر زن	
۲۷۵۸۰ ۱۰۸۱۱	۱۰۰/۰ ۱۰۰/۰	۱۸/۵ ۱۸/۶	۳۱/۱ ۲۳/۲	۳۱/۳ ۳۲/۷	۱۰/۱ ۱۱/۰	۸/۹ ۱۴/۶	وضع سواد* باسواد بی‌سواد
۱۷۴۳ ۵۱۷۲ ۷۵۵۱ ۷۱۳۶ ۶۵۸۳ ۵۴۱۱ ۴۷۹۵	۱۰۰/۰ ۱۰۰/۰ ۱۰۰/۰ ۱۰۰/۰ ۱۰۰/۰ ۱۰۰/۰ ۱۰۰/۰	۳۰/۸ ۱۸/۹ ۱۷/۹ ۱۶/۵ ۱۳/۴ ۱۵/۷ ۲۷/۹	۴۱/۹ ۳۷/۲ ۳۱/۳ ۲۵/۴ ۲۶/۰ ۲۷/۱ ۲۲/۴	۲۳/۱ ۳۳/۹ ۳۲/۹ ۳۴/۹ ۳۵/۸ ۲۸/۵ ۲۳/۹	۴/۲ ۷/۵ ۱۰/۵ ۱۱/۷ ۱۰/۶ ۱۱/۶ ۱۲/۰	۰/۰ ۲/۶ ۷/۴ ۱۱/۴ ۱۴/۳ ۱۷/۱ ۱۳/۸	سن* ۱۹-۱۵ سال ۲۴-۲۰ سال ۲۹-۲۵ سال ۳۴-۳۰ سال ۳۹-۳۵ سال ۴۴-۴۰ سال ۴۹-۴۵ سال
۶۲۲۱ ۳۱۸۳۶	۱۰۰/۰ ۱۰۰/۰	۱۵/۸ ۱۹/۱	۲۷/۸ ۲۹/۲	۳۱/۹ ۳۱/۶	۱۳/۲ ۹/۹	۱۱/۲ ۱۰/۲	وضع اشتغال* شاغل غیرشاغل
۱۹۹۰ ۴۲۳۱	۱۰۰/۰ ۱۰۰/۰	۱۹/۵ ۱۴/۰	۲۴/۱ ۲۹/۶	۲۸/۷ ۳۳/۵	۱۳/۰ ۱۳/۳	۱۴/۷ ۹/۶	نوع شغل* کشاورزی غیرکشاورزی
۷۱۳۱ ۳۱۱۲۸	۱۰۰/۰ ۱۰۰/۰	۱۷/۳ ۱۸/۸	۲۷/۶ ۲۹/۱	۳۰/۹ ۳۱/۹	۱۲/۳ ۱۰/۰	۱۱/۹ ۱۰/۲	وضع مهاجرت* مهاجر غیرمهاجر
۳۷۴۷۵ ۶۶۳	۱۰۰/۰ ۱۰۰/۰	۱۸/۰ ۴۴/۵	۲۹/۱ ۱۴/۹	۳۲/۰ ۱۶/۹	۱۰/۳ ۱۰/۳	۱۰/۵ ۱۳/۴	ازدواج مجدد* یک‌بار ازدواج کرده ازدواج مجدد کرده
۳۸۳۹۱	۱۰۰/۰	۱۸/۵	۲۸/۹	۳۱/۷	۱۰/۴	۱۰/۵	جمع

*معنی‌دار در سطح $P < ۰/۰۱$

بررسی میانگین فاصله‌ی سنی زوجین بر حسب سطح تحصیلات زنان نیز تا حدودی مؤید همین عقیده است (جدول شماره‌ی ۳) و ملاحظه می‌شود که بیشترین میانگین فاصله‌ی سنی زوجین مربوط به زنان با مدرک تحصیلی راهنمایی کامل و متوسطه‌ی ناقص است. در جدول شماره‌ی ۴ نیز آمده است که بین تفاوت زوجین از لحاظ وضع سواد و میانگین فاصله‌ی سنی زوجین اختلاف معنی‌داری وجود دارد که این اختلاف در راستای نظریه‌ی نوسازی است. به این صورت که فاصله‌ی سنی زوجین در مواردی که زن و شوهر هر دو باسوادند کمتر از زمانی است که هر دو بی‌سوادند. در میان زوجین باسواد نیز، اختلاف معنی‌داری بین میانگین فاصله‌ی سنی زوجین وجود دارد که در راستای نظریه‌ی مبادله و برابری جنسیتی است. به این صورت که کمترین فاصله‌ی سنی زوجین مربوط به زمانی است که مدرک تحصیلی زن و شوهر با یکدیگر مساوی باشد و بیشترین فاصله نیز مربوط به زمانی است که مدرک تحصیلی زن از شوهر خود کمتر باشد.

طبق اطلاعات جدول شماره‌ی ۲، درصد زنان جوان‌تر از شوهران خود، در میان زنان شاغل، کمتر از زنان غیرشاغل است، بنابراین طبق نظریه‌ی مبادله و برابری جنسیتی می‌توان عنوان کرد که زنان شاغل قدرت بیشتری در برقراری رابطه‌ی پایاپای با مردان داشته‌اند به طوری که بیش از ۱۳ درصد زنان شاغل با شوهران خود همسن هستند، در حالی که کمتر از ۱۰ درصد زنان غیرشاغل همسان‌همسری سنی را رعایت کرده‌اند. در میان زنان شاغل نیز، زنان مشغول در بخش کشاورزی بیشتر از سایر زنان در

این مبادله موفق‌تر عمل کرده‌اند. همان‌گونه که جدول شماره‌ی ۴ نیز نشان می‌دهد بین زنان شاغل در بخش کشاورزی که شوهری شاغل در بخش‌های غیرکشاورزی دارند میانگین فاصله‌ی سنی زوجین به کمترین میزان خود می‌رسد که این وضعیت تا حدودی در راستای نظریه‌ی نوسازی نیز است. این بدین معنی است که مردان شاغل در بخش‌های غیرکشاورزی، به احتمال از تحصیلات بالاتری برخوردار بوده و عمدتاً در شهرها زندگی می‌کنند و در نتیجه فاصله‌ی سنی کمتری (با همسر خود) در ازدواج خواهند داشت.

در مورد رابطه‌ی سن زنان و فاصله‌ی سنی زوجین مشاهده می‌شود که با افزایش سن زنان از درصد زنان جوان‌تر از شوهران خود کاسته می‌شود (جدول شماره‌ی ۲). علت این امر می‌تواند از تقاضای مردان مسن‌تر برای ازدواج با زنان کم‌سن و سال ناشی شود. با توجه به اینکه با افزایش سن، معمولاً موقعیت اجتماعی و اقتصادی افراد نیز افزایش می‌یابد، پس به احتمال، اغلب این مردان از موقعیت اجتماعی و اقتصادی بهتری نسبت به مردان جوان‌تر و در نتیجه، از توانایی بیشتری در جلب و جذب زنان جوان‌تر از خود برای ازدواج برخوردارند. نتایج مقایسه‌ی میانگین فاصله‌ی سنی زوجین با توجه به گروه‌های سنی زنان از طریق آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه در جدول شماره‌ی ۳ نشان دهنده‌ی وجود بالاترین میانگین فاصله‌ی سنی زوجین در میان زنان گروه سنی ۱۹-۱۵ ساله است که این فاصله در تمامی گروه‌های سنی بعدی، به استثنای زنان ۴۹-۴۰ ساله، رو به کاهش است. بنابراین، با افزایش سن زنان احتمال داشتن شوهری از سنین نزدیک‌تر به

خود برای آنان افزایش می‌یابد. همچنین، از لحاظ وضع مهاجرت، درصد زنان جوان‌تر از شوهران خود در بین مهاجران کمتر از بومیان مشاهده می‌شود و میانگین فاصله‌ی سنی زوجین در میان زنان مهاجر ۰/۶۷ سال، کمتر از زنان بومی است و بالاخره درصد زنان حداقل ۹ سال جوان‌تر از شوهران خود در بین ازدواج مجدد کرده‌ها بیش از دو برابر یک‌بار ازدواج کرده‌هاست و میانگین فاصله‌ی سنی زوجین در میان زنان ازدواج مجدد کرده نزدیک به سه برابر یک‌بار ازدواج کرده‌هاست. همچنین هنگامی که زن و شوهر هر دو برای چندمین بار ازدواج کرده‌اند، میانگین فاصله‌ی سنی زوجین به حداکثر مقدار خود (۱۵/۸۵ سال) افزایش یافته است. البته، همان‌گونه که در جدول شماره‌ی ۴ نشان داده شده است در مورد رابطه‌ی وضع ازدواج مجدد و فاصله‌ی سنی زوجین اثر اصلی در تغییر و افزایش فاصله‌ی سنی زوجین مربوط به وضعیت مردان است که این یافته نیز هم‌سو با یافته‌های برخی از محققان است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۳: میانگین فاصله‌ی سنی زوجین (به نفع مردان) بر حسب برخی از متغیرهای مربوط به زنان در استان اردبیل ۱۳۸۵

متغیر	میانگین	تعداد	متغیر	میانگین	تعداد
وضع اشتغال*	۴/۵۶	۲۵۰۷	مدرک تحصیلی*		
			ابتدایی ناقص	۴/۴۱	۹۷۹۳
			ابتدایی کامل	۵/۶۶	۲۴۶۲
			راهنمایی ناقص	۵/۸۷	۲۸۸۲
			راهنمایی کامل	۵/۸۴	۳۷۴۴
			متوسطه‌ی ناقص	۵/۲۹	۳۴۲۴
			متوسطه‌ی کامل	۳/۶۹	۹۱۸
فوق دیپلم	۵/۰۱	۱۵۵۴			
لیسانس و بالاتر					
نوع شغل*	۴/۴۴	۷۱۳۱	وضع مهاجرت*		
			مهاجر	۵/۴۷	۱۹۹۰
			بومی	۴/۴۹	۴۲۳۱
کشاورزی					
غیرکشاورزی					
سن*	۴/۸۶	۳۷۴۷۵	وضع ازدواج مجدد*		
			یک‌بار ازدواج کرده	۷/۳۹	۱۷۴۳
			ازدواج مجدد کرده	۵/۸۳	۵۱۷۲
				۵/۱۲	۷۵۵۱
				۴/۳۴	۷۱۳۶
				۴/۱۲	۶۵۸۳
				۴/۴۹	۵۴۱۱
	۵/۷۰	۴۷۹۵			
۱۹ - ۱۵ ساله					
۲۴ - ۲۰ ساله					
۲۹ - ۲۵ ساله					
۳۴ - ۳۰ ساله					
۳۹ - ۳۵ ساله					
۴۴ - ۴۰ ساله					
۴۹ - ۴۵ ساله					

* معنی دار در سطح $P < 0/01$

از لحاظ همسان‌همسری سنی در بیش از ۱۰ درصد موارد زنان با شوهران خود همسن و سال بودند. زنان بی‌سواد اندکی بیشتر از زنان باسواد شوهرانی همسن خود داشتند (جدول شماره‌ی ۲). رابطه‌ی سن زنان و همسان‌همسری سنی مستقیم و مثبت است و حداکثر و حداقل میانگین فاصله‌ی سنی زوجین

برای زنان ۱۹-۱۵ و ۳۹-۳۵ ساله به ترتیب ۷/۳۹ و ۴/۱۲ سال است و به این معنی است که زنان مزدوج در سنین پایین‌تر شانس کمتری در داشتن برابری در رابطه‌ی زناشویی، حداقل از نظر سنی، را دارند. همچنین زنان شاغل بیشتر از زنان غیرشاغل همسری همسن خود دارند که در راستای نظریه‌ی مبادله است و همان‌گونه که در جدول شماره‌ی ۴ نیز نشان داده شده است بیشترین میانگین فاصله‌ی سنی زوجین مربوط به زنان غیرشاغلی بوده که همسری شاغل داشتند و کمترین میانگین فاصله‌ی سنی زوجین برای زنان شاغلی است که شوهری غیرشاغل داشتند و در مواردی که زن و شوهر هر دو شاغل بودند میانگین فاصله‌ی سنی زوجین کمتر از زمانی است که فقط شوهر شاغل باشد. در مواردی که زن و شوهر دو غیرشاغل بودند میانگین فاصله‌ی سنی زوجین کمتر از زمانی است که هر دو شاغل و یا شوهر شاغل و زن غیرشاغل باشد. بنابراین، اشتغال زنان با کاهش فاصله‌ی سنی زوجین رابطه‌ی مستقیمی دارد. در میان زنان شاغل نیز با توجه به نوع شغل (جدول شماره‌ی ۲) ملاحظه می‌شود که همسان‌همسری سنی در میان زنان شاغل در بخش‌های غیرکشاورزی اندکی بیشتر از زنان شاغل در بخش کشاورزی است. بررسی بیشتر تفاوت میانگین فاصله‌ی سنی زوجین با توجه به نوع شغل زن و شوهر نشان دهنده‌ی آن است که بیشترین میانگین فاصله‌ی سنی زوجین مربوط به زنان و شوهرانی است که هر دو در بخش کشاورزی شاغل بودند. در صورتی که زن و شوهر هر دو در بخش‌های غیرکشاورزی شاغل بودند میانگین فاصله‌ی سنی زوجین کاهش یافته است. بنابراین در

راستای نظریه‌ی نوسازی، اشتغال در بخش‌های صنعتی و غیرکشاورزی با کاهش فاصله‌ی سنی زوجین رابطه‌ی مستقیمی دارد.

جدول ۴: میانگین فاصله‌ی سنی زوجین (به نفع مردان) بر حسب مقایسه‌ی ویژگی‌های زن و شوهر در برخی از متغیرها در استان اردبیل ۱۳۸۵

متغیر	میانگین	تعداد	متغیر	میانگین	تعداد
وضع اشتغال*	هر دو شاغل	۴/۸۶	وضع سواد*	هر دو باسواد	۵۹۲۲
	فقط شوهر شاغل	۵/۰۸	فقط شوهر شاغل	۲۹۸۸۹	
	فقط زن شاغل	۳/۳۳	فقط زن شاغل	۲۹۷	
	هر دو غیرشاغل	۴/۲۵	هر دو بی‌سواد	۱۸۹۹	
نوع شغل*	هر دو کشاورزی	۵/۸۲	مدرک تحصیلی*	زن بیشتر از شوهر	۱۵۰۴
	فقط شوهر کشاورزی	۳/۷۲		مساوی	۲۹۴
	فقط زن کشاورزی	۴/۳۷		زن کمتر از شوهر	۴۸۶
	هر دو غیر کشاورزی	۴/۵۴			۳۹۳۷
وضع مهاجرت*	هر دو مهاجر	۴/۲۶	وضع ازدواج مجدد*	هر دو ازدواج مجدد کرده	۵۳۲۹
	فقط شوهر مهاجر	۴/۱۶		فقط شوهر ازدواج مجدد کرده	۴۷۷۵
	فقط زن مهاجر	۴/۹۶		فقط زن ازدواج مجدد کرده	۱۷۹۵
	هر دو بومی	۵/۲۰		هر دو یک‌بار ازدواج کرده	۲۸۳۴۲

* معنی دار در سطح $P < ۰/۰۱$

جدول شماره‌ی ۲ نشان می‌دهد با توجه به وضع مهاجرت زنان، همسان‌همسری سنی در میان مهاجران بیشتر از بومیان وجود دارد و در جدول شماره‌ی ۴ نیز ملاحظه می‌شود کمترین میانگین فاصله‌ی سنی زوجین زمانی رخ داده که شوهر مهاجر و زن غیرمهاجر بوده است و اگر زن و شوهری هر دو مهاجر بوده‌اند این میانگین اندکی افزایش داشته است و

در صورتی که فقط زن، مهاجر بوده میانگین فاصله‌ی سنی زوجین افزایش شدیدی داشته است و نزدیک به میانگین بومیان بوده که این وضعیت در راستای نظریه‌ی انطباق^۱ است. به این صورت که چون مردان در انتخاب همسر نقش انتخاب‌کننده را دارند، زنانی را برای همسری انتخاب کرده‌اند که ویژگی‌های مشابهی با بومیان (مثلاً از نظر سنی) داشته است، اما زمانی که شوهر مهاجر بوده انتخاب همسر توسط وی می‌توانسته با جامعه‌ی بومی متفاوت باشد. بیشترین میانگین فاصله‌ی سنی زوجین نیز مربوط به زمانی بوده که زن و شوهر هر دو بومی بودند. بنابراین می‌توان عنوان کرد که اگرچه فاصله‌ی سنی زوجین در میان مهاجران کمتر است، اما زمانی که زن مهاجر و شوهر بومی باشد فاصله‌ی سنی زوجین کاهش چندانی ندارد. در عین حال، در مواردی که زن و شوهر هر دو مهاجر باشند یا فقط شوهر مهاجر باشد کاهش فاصله‌ی سنی زوجین شدیدتر می‌شود که این رابطه در راستای نظریه‌ی مبادله است. به این صورت که با توجه به انحصار اختصاص جایگاه انتخاب‌کنندگی همسر به مردان در اغلب جوامع و از جمله در جامعه‌ی ایران از یک سو و با توجه به پایین‌تر بودن جایگاه مهاجران در مقایسه با بومیان در اغلب موارد از سوی دیگر، مردان مهاجر در انتخاب همسر باید از برخی معیارهای متداول در جامعه، مثل جوان‌تر بودن همسر، چشم‌پوشی کنند. در نهایت، در تحلیل چندمتغیره (جدول شماره‌ی ۵)، دو متغیر مستقل «نوع شغل» و «وضع ازدواج مجدد» معنی‌داری خود را بر تغییر فاصله‌ی

1 - Adaptation

سنی زوجین از دست دادند و متغیرهای مستقل «محل سکونت»، «مدرک تحصیلی»، «سن»، «وضع مهاجرت» و «وضع اشتغال» نیز تنها حدود ۵ درصد از تغییرات فاصله‌ی سنی زوجین را تبیین کردند که این میزان تبیین‌کنندگی ناچیز می‌تواند هنجار فرهنگی مسن‌تر بودن مردان از زنان در ازدواج را در ورای تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی نشان دهد.

جدول ۵: معادله‌ی رگرسیون چندمتغیری رابطه‌ی میان متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (فاصله‌ی سنی زوجین) در استان اردبیل ۱۳۸۵

متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	R	R ^۲	Ad. R ^۲	Std. E	F	.Sig
محل سکونت مدرک تحصیلی سن وضع مهاجرت وضع اشتغال	فاصله‌ی سنی زوجین	۰/۲۲۱	۰/۰۴۹	۰/۰۴۸	۰/۱۲۱	۳۸/۲۵۲	۰/۰۰۰

خلاصه و نتیجه‌گیری

تغییر فاصله‌ی سنی زوجین می‌تواند مهم‌ترین متغیر جمعیتی یعنی باروری را تحت تأثیر قرار دهد. ثبات زندگی زناشویی و رضایت‌مندی از ازدواج، استفاده از وسایل پیشگیری از باروری و نوع آن وسایل، تعادل در روابط زن و شوهر در درون خانواده، افزایش مدت زمان تنهایی (و بی‌پناهی در زمان سالخوردگی) در زمان پس از فوت شوهر هم‌زمان با افزایش امید به زندگی زنان نیز می‌تواند تحت تأثیر تغییر فاصله‌ی سنی زوجین قرار گیرد. تغییر فاصله‌ی سنی زوجین می‌تواند از عوامل مختلف اجتماعی، جمعیتی

عوامل اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر فاصله‌ی سنی زوجین

و اقتصادی ناشی شود. افزایش نوسازی از طریق تغییر ساختار خانواده، تغییر ساختار سنی - جنسی جمعیت و بروز مزیقه‌ی ازدواجی، بهبود موقعیت زنان و افزایش برابری جنسیتی، گسترش مشاغل صنعتی و غیرکشاورزی می‌تواند موجب تغییر فاصله‌ی سنی زوجین شود. همچنین با توجه به گزینشی عمل کردن مهاجرت و ارتباط مهاجرت با تغییر نسبت جنسی در جمعیت مبدأ و مقصد و بروز مزیقه‌ی ازدواجی، فاصله‌ی سنی زوجین مهاجر و بومی می‌تواند متفاوت باشد. هدف اصلی این مقاله بررسی عوامل اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر تغییر فاصله‌ی سنی زوجین در میان زنان ۱۵ تا ۴۹ سال استان اردبیل با استفاده از نمونه‌ی ۲۰ درصدی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ بوده است.

یافته‌ها نشان می‌دهند در حدود ۸۰ درصد زنان از شوهران خود جوان‌ترند. همسان‌همسری سنی در بیش از ۱۰ درصد ازدواج‌ها وجود دارد و در بیش از ۱۰ درصد ازدواج‌ها نیز سن زنان از شوهران خود بیشتر است. زنان ۱۹ - ۱۵ ساله‌ی روستانشین، باسواد، غیرشاغل (و در صورت اشتغال، شاغل در بخش‌های غیرکشاورزی)، مهاجرت نکرده و یک‌بار ازدواج کرده بیشتر از بقیه شوهرانی بزرگ‌تر از خود دارند و زنانی که تمامی ویژگی‌های مذکور، به استثنای وضع ازدواج مجدد، را دارند بیشتر از سایرین، همسان‌همسری سنی در ازدواج را رعایت کرده‌اند. همچنین هنجار مسن‌تر بودن زن از شوهر در میان زنان ۳۹ - ۳۵ ساله‌ی شهرنشین، بی‌سواد، شاغل و شاغل در بخش کشاورزی، مهاجر و ازدواج مجدد کرده بیشتر از بقیه‌ی موارد مشاهده

می‌شود. میانگین فاصله‌ی سنی زوجین نیز در میان زنان ۱۹ - ۱۵ ساله‌ی روستانشین، غیرشاغل (و در صورت اشتغال، شاغل در بخش کشاورزی) با مدرک تحصیلی راهنمایی کامل، غیرمهاجر و ازدواج مجدد کرده بیشتر از سایر زنان می‌باشد. همچنین رابطه‌ی معکوسی بین سن زنان و میانگین فاصله‌ی سنی زوجین و رابطه‌ی طاقی شکلی بین مدرک تحصیلی زنان و میانگین فاصله‌ی سنی زوجین وجود دارد.

با توجه به دیدگاه‌های مرتبط با موضوع نظیر نوسازی، مبادله و برابری جنسیتی، عواملی نظیر افزایش تحصیلات، شهرنشینی و صنعتی شدن، با تغییر فاصله‌ی سنی زوجین مرتبط است. در استان اردبیل، فاصله‌ی سنی زوجین روستانشین بیشتر از زوجین شهرنشین بود. با توجه به اینکه طبق نتایج حاصل از سرشماری‌های مختلف در ایران، با افزایش سن ازدواج زنان فاصله‌ی سنی زوجین کاهش می‌یابد. علت تفاوت این فاصله در نقاط شهری و روستایی می‌تواند در پایین بودن سن ازدواج دختران روستایی نسبت به دختران شهری نهفته باشد. در جوامعی که میزان شهرنشینی در آن بالاست، سن ازدواج افراد بنا به دلایلی مانند تحصیلات طولانی‌تر برای افزایش مهارت و تخصص برای به‌دست آوردن شغل مناسب و همچنین دشواری‌های بیشتر در یافتن شغل مورد نظر بیشتر از جوامع با غلبه‌ی روستانشینی است، در نتیجه فاصله‌ی سنی زوجین در شهرها بیشتر است. همچنین ساخت سنتی‌تر جوامع روستانشین نسبت به جوامع شهرنشین - که از یک سولزوم جامعه‌پذیری زنان با هنجارهای خانوادگی شوهر را می‌طلبند، و از سوی دیگر

کمتر بودن میزان باسوادی و سطح تحصیلات افراد در نقاط روستایی نسبت به نقاط شهری، که هر دو نشانگر نوسازی کمتر نقاط روستایی نسبت به نقاط شهری است - نیز می‌تواند موجبات بالاتر بودن میانگین فاصله‌ی سنی زوجین نقاط روستایی نسبت به نقاط شهری را فراهم سازد.

فاصله‌ی سنی زوجین شاغل در بخش صنعتی حدود یک سال کمتر از وضعیتی است که زن در بخش کشاورزی شاغل باشد. اشتغال در بخش صنعت از طریق دستیابی زنان به درآمد مستقل و استقلال اقتصادی می‌تواند موجب افزایش تقاضای آنان مبنی بر برابری جنسیتی در جنبه‌هایی مثل ازدواج شود. همچنین شهرنشینی موجب اشاعه‌ی هنجارهای جدیدی مثل افزایش فردگرایی و تمایل به پیشرفت و در نتیجه ازدواج در سنین بالاتر می‌شود. در ضمن، شهرها محلی هستند که امکانات لازم (تحصیلات، اشتغال و درآمد مستقل) به منظور نیل به این گونه تمایلات را در دسترس افراد (به خصوص زنان) قرار می‌دهند. زنان با تحصیلات دانشگاهی از زنان با تحصیلات راهنمایی و متوسطه فاصله‌ی سنی کمتری با شوهران خود دارند و زنان شاغل نیز در مقایسه با زنان غیرشاغل چنین شرایطی را دارند. فاصله‌ی سنی زنان شاغل با شوهران کمتر از زنان غیرشاغل است و اگر زنی شاغل شوهری غیرشاغل داشته باشد فاصله‌ی سنی زوجین به کمترین مقدار خود می‌رسد. بر عکس، اگر زنی غیرشاغل شوهری شاغل داشته باشد این فاصله به بالاترین مقدار خود می‌رسد. به این ترتیب، قدرت زنان شاغل در ازدواج موجب به حداقل رسیدن نابرابری در سن ازدواج آنها با شوهران

خود و در نتیجه کاهش فاصله‌ی سنی زوجین می‌شود.

فاصله‌ی سنی زنان با مدرک تحصیلی در حد متوسط (راهنمایی ناقص و کامل و متوسطه‌ی ناقص) با همسرانشان بیشتر از سایر زنان بوده است. این انعکاس وضعیتی است که تعداد چشمگیری از زنان با ازدواج زودرس می‌باشند. تعداد به نسبت بالای زنان متأهل واقع در دو گروه اول سنی و رابطه‌ی معکوس بین سن زنان و فاصله‌ی سنی زوجین نیز نشان‌دهنده‌ی این وضعیت است. این زودرسی می‌تواند تا اندازه‌ای ناشی از ترس مرتبط با وجود مضیقه‌ی ازدواجی به نفع مردان (تعداد زیاد دختران ازدواج نکرده نسبت به پسران ازدواج نکرده) که در آن شانس ازدواج زنان کم بوده و با افزایش سن کمتر می‌شود باشد.

به نظر می‌رسد که نوسازی و توسعه سهمی اساسی در تغییرات فاصله‌ی سنی زوجین داشته‌اند. همان‌طور که اشاره شد گسترش شهرنشینی، تحصیلات بالاتر زنان و مشارکت اقتصادی بیشتر آنها که منعکس کننده‌ی کاهش نابرابری‌های جنسیتی و افزایش توانمندسازی زنان است می‌تواند به کاهش فاصله‌ی سنی زوجین منتهی شود. یافته‌های تقویت‌کننده‌ی این ایده در این تحقیق که همسان‌همسری را با تساوی تحصیلات زوجین، اشتغال زن و شوهر و مشارکت زنان در نیروی کار هماهنگ می‌داند مؤید این جهت‌گیری است. نتایج این تحقیق در مقایسه با وضعیت کل کشور در سال ۱۳۸۰ نشان می‌دهد که درصد همسان‌همسری سنی علی‌رغم تفاوت‌های بین جمعیت‌های آماری مقایسه شده، افزایش چشمگیری یافته است (حدود ۵ درصد در کل کشور در

مقابل بیش از ۱۰ درصد در استان اردبیل در سال ۱۳۸۵).

هرچند روند رو به گسترش به سمت نوسازی بیشتر می‌تواند تعادل بیشتری بین فاصله‌ی سنی زوجین و شرایط اقتصادی و اجتماعی ایجاد کند و هم‌خوانی بین توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی (نظیر برابری جنسیتی) با تفاوت (به احتمال کمتر) سن زوجین بیشتر شود، مداخله‌گرهای دیگر نیز می‌توانند چگونگی و سرعت این حرکت را تحت تأثیر قرار دهند. وجود مضیقه ازدواجی که ناشی از تغییرات ساختار سنی جمعیت با فرض پایداری فاصله‌ی سنی زوجین است نمونه‌ای از این مداخله‌گرهاست. ترس ناشی از کاهش شانس ازدواج و ترغیب به ازدواج زودتر (برای زنان) در مواجهه با این ناامنی می‌تواند یکی از تبعات مضیقه‌ی ازدواجی باشد که تأثیر زیادی بر فاصله‌ی سنی زوجین خواهد داشت. علاوه بر آن، تأخیر در سن ازدواج مردان (علاوه بر عامل مضیقه‌ی ازدواجی) موجب تأخیر در سن ازدواج زنان شده و فاصله‌ی سنی زوجین را از این نظر که مردان مجرد مسن‌تر تمایل به ازدواج با زنان خیلی جوان‌تر دارند تحت تأثیر قرار می‌دهد. این وضعیت در یافته‌های این مقاله در مورد بالا بودن فاصله‌ی سنی زوجین برای زنان خیلی جوان (۱۹ - ۱۵ ساله) اشاره شده است. با توجه به تغییرات ساختار سنی جمعیت ایران و فرض ماندگاری تفاوت سنی زوجین به نفع مردان، تغییر ماهیت مضیقه‌ی ازدواجی (کاهش شانس مردان برای ازدواج) در آینده‌ی نزدیک اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. این تغییر ماهیت به همراه افزایش سن ازدواج زنان (ناشی از افزایش تحصیلات) می‌تواند کاهش فاصله‌ی سنی را موجب شود.

افزایش بی‌سابقه‌ی میزان تحصیلات زنان (در مقایسه با مردان) به خصوص در تحصیلات دانشگاهی، به عنوان یک مداخله‌گر دیگر، می‌تواند به ازدواج‌هایی منجر شود که در آن زن از نظر تحصیلات بر همسر خود برتری دارد. این وضعیت می‌تواند از طریق تأخیر ازدواج زنان (به علت تحصیلات) فاصله‌ی سنی زوجین را به نفع زنان معکوس کرده و زنان از همسرانشان مسن‌تر باشند. تحقیق جاری نمونه‌ای از ازدواج‌هایی را که در آن زنان باسواد با شوهران بی‌سواد، بیشترین فاصله‌ی سنی زوجین را تجربه می‌کنند به تصویر کشیده است. افزایش حدود ۱۵ درصدی زوجین با تفاوت سنی به نفع زنان در مقایسه با وضعیت کل کشور در سال ۱۳۸۵ می‌تواند تا حدودی ناشی از این وضعیت باشد.

تأخیر در سن ازدواج مردان، به دلایل اقتصادی (نظیر بیکاری) و اجتماعی (نظیر فردگرایی)، می‌تواند فاصله‌ی سنی زوجین را از این نظر که مردان مجرد مسن‌تر تمایل به ازدواج با زنان خیلی جوان‌تر دارند تحت تأثیر قرار می‌دهد. این وضعیت در یافته‌های این مقاله در مورد بالا بودن فاصله‌ی سنی زوجین برای زنان خیلی جوان (۱۹-۱۵ ساله) مورد اشاره قرار گرفته است. وضعیت‌های ذکر شده، پیچیدگی روابط متقابل بین فاصله‌ی سنی زوجین و عوامل مرتبط با آن را آشکار می‌سازند. در نتیجه، هر تأثیرگذاری بر زمان تشکیل خانواده، فرایندهای مرتبط با کارکرد، و پایداری آن نیازمند توجه به تمامی عوامل درگیر می‌باشد. به عنوان مثال، بهبود وضعیت مردان (مثلاً از نظر اقتصادی) می‌تواند افزایش کمتر سن ازدواج مردان را به همراه داشته

باشد. همچنین توانمندی بیشتر زنان (مثلاً از نظر تحصیلات) موجبات کاهش ازدواج در سنین خیلی پایین که معمولاً با محرومیت تحصیلی، اقتصادی و اجتماعی زنان همراه است را فراهم آورد. به علاوه با کاهش فاصله‌ی سنی زوجین از شدت مضیقه‌ی ازدواجی (ناشی از تغییر ساختار جمعیتی) کاسته شده و همچنین نسبت زنان بی‌همسر در دوران سالخوردگی (ناشی از مرگ‌ومیر بیشتر مردان) کمتر می‌شود. در نتیجه توانمندی بیشتر زوجین، از نظر سطوح اقتصادی و اجتماعی، نابرابری در سطح خانواده را کاهش می‌دهد، اقبال به آن را بیشتر می‌کند و پایداری آن را افزایش می‌دهد.

منابع

- ◀ اسکیدمور، ویلیام ۱۳۷۲. نظریه‌های جامعه‌شناسی: تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی علی‌محمد حاضری و دیگران، تهران، سفیر.
- ◀ اعزازی، شهلا ۱۳۸۲. جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.
- ◀ امین‌زاده، فرخ ۱۳۵۷. جمعیت‌شناسی، تهران، دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه سپاهیان انقلاب ایران.
- ◀ درودی‌آهی، ناهید. «عدم توازن نسبت‌های جنسی در سنین ازدواج»، جمعیت، ش ۴۱ (۱۳۸۱).
- ◀ رضایی، امیرسعید، بررسی تأثیر میزان همگونی اقتصادی - اجتماعی زوجین و قدرت زنان در خانواده، (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، ۱۳۸۴).
- ◀ ریتزر، جورج ۱۳۸۴. نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران، علمی.

- ◀ زارع، بیژن ۱۳۸۷. جمعیت‌شناسی اقتصادی و اجتماعی، تهران، سمت.
- ◀ سازمان ثبت احوال کشور ۱۳۸۶. سالنامه‌ی آماری سال ۱۳۸۵، تهران، سازمان ثبت احوال کشور.
- ◀ _____ ۱۳۸۷. سالنامه‌ی آماری سال ۱۳۸۶، تهران، سازمان ثبت احوال کشور.
- ◀ _____ ۱۳۸۸. سالنامه‌ی آماری سال ۱۳۸۷، تهران، سازمان ثبت احوال کشور.
- ◀ شیخی، محمدتقی ۱۳۸۰. جامعه‌شناسی زنان و خانواده، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ◀ عباسی شوازی، محمدجلال و رسول صادقی. «قومیت و الگوهای ازدواج در ایران»، پژوهش زنان، دوره‌ی ۳، ش ۱ (۱۳۸۴).
- ◀ عوضعلی پور، محمدصادق، قدرت طاهری و نعمت‌الله رضایی. «بررسی رابطه شهرنشینی و مهاجرت و شاخص‌های توسعه استانی»، پنجمین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران: مجموعه مقالات مهاجرت در ایران (۱۳۸۸).
- ◀ کاظمی پور، شهلا. «تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن»، پژوهش زنان، دوره‌ی ۲، ش ۳ (۱۳۸۳).
- ◀ محمودیان، حسین. «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان»، نامه‌ی علوم اجتماعی، ش ۲۴ (۱۳۸۳).
- ◀ _____: «بررسی میزان و عوامل مؤثر بر تفاوت سنی زوجین»، نامه‌ی انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ش ۱ (۱۳۸۵).
- ◀ مرکز آمار ایران ۱۳۸۸. فایل فردی نمونه‌ی ۲۰ درصدی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ <http://www.sci.org.ir>
- ◀ میشل، آندره ۱۳۵۴. جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه‌ی فرنگیس اردلان، تهران، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ◀ ویکس، جان ۱۳۸۵. جمعیت: مقدمه‌ای بر مفاهیم و موضوعات، ترجمه‌ی الهه میرزایی، تهران، موسسه‌ی عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

- ▶ Atkinson M. P., & B. L. Glass. "Marital age heterogamy and homogamy", *Journal of Marriage and the Family*, 47(3)(1985).
- ▶ Barbieri, M., & V. Hertrich. "Age difference between spouses and contraceptive practice in Sub - Saharan Africa", *Population- E*, 60 (5- 6), (2005).
- ▶ Barricarte, J. S. "Changes in marriage patterns in the Spanish province of Navarre from the eighteenth to twentieth century", *Continuity and Change*, 16(1)(2001).
- ▶ Bytheway, W. R. "The variation with age of age differences in marriage", *Journal of Marriage and the Family*, 43(4)(1981).
- ▶ Caldwell, J. C. "Fertility decline and female chances of marriage in Malaya", *Population Studies*, 17(1963).
- ▶ Casterline, J. B. et al. "The age difference between spouses: variations among developing countries", *Population Studies*, (40)(1986)
- ▶ Good, William J. 1963. *World Revolution and Family Pattern*, New York, Free Press.
- ▶ Hancock, R., R. Stuchbury, & C. Tomassini. "Changes in the distribution of marital age differences in England and Wales, 1963 to 1998", *Population Trends*, 114 (2003).
- ▶ <http://www.unescap.org/esid/psis/population/journal/articles/1997/v12>.
- ▶ <http://www.un.org/esa/population/publications/worldmarriage/worldmarriagepatterns2000.pdf>.
- ▶ Shaikh, Kashem 1997. "Recent Changes in marriage patterns in rural Bangladesh", *Asia - Pacific Population Journal*, 12(3), Available Online from

- South, J. Scott. "Sociodemographic Differentials in Mate Selection Preferences", *Journal of Marriage and the Family*, 53(4) (1991).
- Statistical Center of Iran 2006. *Gender Statistics Data Sheet for Islamic Republic of Iran*, Tehran, Statistical Center of Iran.
- Uddin, E. "Age at first marriage for husband and wife between Muslim and Santal communities in rural Bangladesh: a cross - cultural perspective", *International Journal of Humanities and Social Sciences*, 3 (1) (2009).
- United Nations 2000. *World Marriage Patterns 2000*, United Nations Population Division, Department of Economic and Social Affairs, Available Online from
- Vera, Hernan et al. "Age heterogamy in marriage", *Journal of Marriage and the Family*, 47(3) (1985).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی